عوامل مؤثر بر رفتار وندالیستی درمیان دانش آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان اهواز(مطالعه‌ی موردی؛ منطقه‌ی کوت‌عبدالله)

دکترسیدعبدالحسین نبوی[۱]، سهام سالمیان[۲]، بهار حبیبیان[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۰

چکیده

وندالیسم یا تخریب عمومی، یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های رفتار انسانی است که نتیجه‌ی عوامل و شرایط مختلف فردی، اجتماعی و خانوادگی است. هدف از این پژوهش، شناسایی و تعیین برخی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه منطقه‌ی کوت‌عبدالله شهر اهواز است. در این زمینه با توجّه به نظریات مطرح شده، رابطه‌ی جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، موفقیّت تحصیلی، متغیّرهای درون فردی(شامل احساس محرومیّت نسبی، تبعیض، عزت نفس، خویشتن‌داری)، و پیوند اجتماعی(خانه، مدرسه، دوستان) با بروز رفتارهای وندالیستی بررسی گردید. روش تحقیق پیمایشی بوده و جهت انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ دانش‌آموز انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه بوده و با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، آزمون t و رگرسیون چند متغیّره به بررسی فرضیّات پرداخته‌شده‌است. نتایج نشان می‌دهد به جز جنسیت، میان تمام متغیّرهای ذکر شده با وندالیسم رابطه وجود دارد. مقدار R یا هم‌بستگی میان مقادیری که به‌وسیله معادله پیش‌میانی می‌شوند معادل ۰/۷۱۱ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. باتوجّه به این که مدل پژوهش، توان استه است با استفاده از متغیّرهای مستقل تعریف شده ۵۰ درصد از واریانس متغیّر وابسته را تبیین کند، می‌توان گفت از قدرت پیش‌میانی خوبی برخوردار بوده‌است.

واژه‌های کلیدی: وندالیسم، رفتار وندالیستی، انحراف اجتماعی، بزه‌کاری، اهواز، کوت‌عبدالله

مقدّمه و بیان مسأله

وندالیسم یا تخریب عمومی، نمونه‌ای از کجروی و یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های رفتار انسانی است. درباره‌ی این که وندالیسم چیست و چه چیزهایی

[۱]- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز،(نویسنده مسؤول)
s.abdolhoseinnabavi@yahoo.com
[۲]- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور sahamsalemian@gmail.com
[۳]- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران bahar.habibian@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وندالیسم نیست، به‌سادگی نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد(هاسکل و یبلونسکی[1]، ۱۹۷٤: ۲۷۲). مارشال ب. کلینارد وندالیسم را تخریب ارادیِ متعلّقات عمومی می‌داند که به‌صورت مکرر صورت می‌گیرد(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳٤) و گلدستین آن‌را «تخریب ارادی، عمدی و آگاهانه‌ی محیط پیرامون از سوی افرادی می‌داند که هیچ انگیزه و هدف سودجویانه ای ندارند و هدف این گونه افراد نوعی آسیب و ضرر رساندن به اموال و متعلقات عمومی شمرده می‌شود که به قصد مخالفت با هنجار و قوانینی صورت می‌گیرد که دولت وضع کرده است»(محمدی بلبان آباد، ۱۳۸٤: ۵).

واکنش نسبت به تخریب اموال عمومی براساس اوضاع و شرایط مختلف اجتماعی ممکن است متفاوت باشد. در برخی گروه‌ها معمولی‌ترین شیوه‌ی تخریب اموال که همانا شعار نوشتن روی دیوار است مورد قبول و پذیرش قرار می‌گیرد، یا این‌که نادیده گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، کسی که مرتکب چنین عملی می‌شود از طرف گروه مورد مؤاخذه و بازخواست قرار نمی‌گیرد. برخی محققان در انگلستان و آمریکا از معانی و انگیزه های متفاوتی در خلق اشکال متنوع وندالیسم سخن می‌گویند(همان).

وندالیسم از جمله کجروی های جامعه جدید است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، رشد آنومی و تمایلات روزافزون انسان و ناکامی وی در رسیدن به این تمایلات است و احساس از خود بیگانگی، اجحاف، خشم و تنفری که آن‌ها نسبت به اجتماع و محیط اطرافشان دارند که خود بیان‌کننده‌ی ضعف و اختلال هنجاری در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است. وندالیسم از جمله جرایمی است که کم‌تر مجازات حقوقی و کیفری در بر داشته است. هنجارشکنی که ضمن ایجاد خسارت‌هایی برای دولت، مبیّن مشکلات مهم و بزرگ‌تر جامعه آتی است. با توجّه به وضعیّت جمعیّت ایران که بیش از نیمی از جمعیّت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این کشور از

[1]- Haskell & Yablonsky

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جمله کشورهایی است که در معرض آسیب‌های اجتماعی زودرس، از جمله پدیده‌ی وندالیسم است که بیش‌تر وندال‌ها نیز جوانان هستند(محمدی بلبان آباد، ۱۳۸٤: ۳).

رفتارهای وندالیستی در گروه‌های مختلف سنی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد که یکی از نمونه‌های قابل توجّه آن رفتارهای وندالیستی نوجوانان است. اهمّیّت مطالعه‌ی رفتارهای وندالیستی گروه سنی کودک و نوجوان از آن جهت است که عوامل و ریشه های این رفتارها در محیط پیرامون، مانند خانه و مدرسه نهان است و رفتارها در این سنین قابل اصلاح و به‌گرد هستند؛ اما درصورت بی‌توجّهی نهادینه و موجب بروز اختلالات شخصیتی می‌شود و پیامدهای آتی آن در اجتماع ظهور خواهد کرد.

اولین نهاد و سازمان رسمی که کودک با آن در دوره‌ی زندگی‌اش برخورد می‌کند مدرسه است. مدرسه عامل یا کارگزاری است که رسماً ازسوی جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه‌ی مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی شده است. ناتوانی نظام ارزشی در درونی کردن نظام ارزشی و هنجارهای جامعه، باعث می‌شود جامعه‌پذیری فرد به سوی هنجارشکنی و بی‌ارزشی نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند سوق داده شود. القای ارزش‌ها و هنجارهای مطرود جامعه ازسوی آموزگاران ناهم‌نوا، فراهم کردن زمینه‌ی عضویت دانش آموز در گروه‌های ناهم‌نوا به ویژه گروه بزرگ‌سالان در این محیط، فراهم آمدن زمینه‌ی اختلالات روانی فرد بر اثر رفتارهای ناصحیح اولیای مدرسه و انگ بزه‌کار خوردن بر اثر پیش‌داوری‌های آموزگاران یا دانش‌آموزان خود باعث بروز رفتارهای تهاجمی، مانند: کنده‌کاری روی نیمکت مدارس، کشیدن گچ یا خودکار بر روی دیوار، پاره کردن تور والیبال و ... نوشتن حرف‌های رکیک و زشت بر روی در دست‌شویی‌ها و کثیف کردن دیوارتوالت‌ها و ... می‌شود(رفیع پور، ۱۳۷۷: ۳۹٤). خرابکاری‌هایی که ازسوی دانش‌آموزان در ساعات آموزشی بر روی وسایل و امکانات مدرسه صورت می‌گیرد، باعث فرسوده شدن ساختمان مدارس و وسایل آموزشی می‌شود و محیط نازیبایی را به‌وجود می‌آورد که خود مزید بر علت می‌شود و میزان خرابکارهای دانش آموزان را افزایش می‌دهد. این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

رفتارها با تأثیر منفی بر روحیه‌ی دانش آموزان، سطح آمادگی و یادگیری آنان را پایین می‌آورد و فرایند یاددهی و یادگیری را در مدارس به نحو بسیار وسیعی از حالت اصولی خارج می‌کند وبه آن جنبه‌ی اجباری و گریزناپذیر می‌بخشد آثار ونتایج این رفتارهای تخریب‌گرانه نه تنها کانون خانواده را تهدید می‌کند، بلکه بر سلامت و امنیت جامعه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

منطقه‌ی مورد مطالعه، یعنی کوت‌عبدالله در بخش جنوب شرقی شهر اهواز واقع شده و از الحاق ۲۰ شهرک و روستای منفصل و متصل با جمعیّتی بالغ بر۱۸۸۵۰ نفر و ۲۶۹۲ خانوار مطابق سرشماری ۱۳۹۰(شهرداری منطقه‌ی ۵ اهواز، ۱۳۹۱) در دو طرف جاده‌ی اهواز- آبادان به‌صورت طولی امتداد یافته است. منطقه‌ی کوت‌عبدالله در گذشته شامل باغات و نخلستان‌ها و محدوده‌های روستایی بوده که با گذشت زمان و توسعه‌ی شهر اهواز به محدوده‌ی شهری الحاق شده و لذا از سازمان شهری مناسبی برخوردار نیست و در مطالعات سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهرستان اهواز به عنوان یکی از مناطق ۱۷ گانه حاشیه نشین معرفی شده است(دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۵). فقدان امکانات و زیرساخت‌های مناسب زندگی شهری و فقر در این منطقه به ناهنجارهای فرهنگی و اجتماعی دامن زده که یکی از نمونه‌های آن رفتار تخریب‌گرانه‌ی نوجوانان و جوانان است. دراین منطقه بیش از ٤۳۰۰ دانش آموز در مقطع متوسطه مشغول به تحصیل هستند که براساس گزارش‌های مدیران دبیرستان‌های منطقه‌ی کوت‌عبدالله در پایان هر سال هزینه‌ای گزاف صرف تعمیر و بازسازی صندلی‌ها و وسایلی می‌شود که ازسوی دانش آموزان غیر قابل استفاده شده و در کنار کاستی‌های موجود به وضعیّت نابه‌سامان واحدهای آموزشی دامن می‌زنند. ازاین‌رو لازم است زمینه‌های عوامل مؤثر است بر رفتارهای وندالیستی در این منطقه مطالعه شود تا با استفاده از دستاوردهای پژوهشی، طرح‌های عملی برای برخورد مناسب با این پدیده و هم‌چنین اقدامات پیشگیرانه لازم تدبیر گردد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی بررسی رفتارهای وندالیستی و علل مؤثر بر آن، پژوهش‌های مختلفی انجام شده که به مهم‌ترین مواردی که در گروه جوانان و نوجوانان انجام شده است اشاره می‌شود.

عفتی(۱۳۸۱) در یک طرح پژوهشی با عنوان «بررسی انگیزه های مؤثر بر وندالیسم میان دانش آموزان ۹ تا ۱٦ ساله‌ی ساکن حاشیه‌ی ریل آهن در شهر تهران(با تکیه بر سنگ پرانی به قطارهای مسافربری)» به این نتیجه رسیده است که شرایط عوامل خانوادگی و شرایط نامناسب محیطی از یک سو و ویژگی های فردی خود کودکان و نوجوانان از متغیّرهای مرتبط با ارتکاب رفتارهای وندالیستی هستند.

احمدی و سهامی(۱۳۸۳) در پژوهش«بررسی علل و عوامل مؤثر بر وندالیسم در دبیرستان‌های شهر شیراز» رابطه‌ی معنی‌دار و معکوسی میان متغیّرهای سطح تعلق، تعهد و دلبستگی‌های خانوادگی/ مدرسه ای، منزلت شغلی پدر و سطح تحصیلات مادر با رفتارهای خرابکارانه ازسوی دانش آموزان به‌دست آورده و به این نتیجه رسیده‌اند که کیفیت روابط خانوادگی نوجوان با رفتار خرابکارانه رابطه معنی داری دارد و نیز پسران بیش‌تر از دختران مرتکب رفتارهای وندالیستی می‌شوند.

محمدی بلبان آباد(۱۳۸٤) در پژوهشی با عنوان «سنجش میزان وندالیسم و بررسی برخی از عوامل مرتبط با آن در میان دانش‌آموزان ناحیه‌ی یک متوسطه‌ی شهر سنندج» به این نتایج رسیده که میزان رفتارهای وندالیستی در میان دانش‌آموزان پسر، افراد مهاجر و دارای خانواده‌ی نابه‌سامان بیش‌تر است. متغیّر های بیگانگی اجتماعی، احساس اجحاف و بی عدالتی، ارتباط فرد باگروه‌های بزه‌کار، بعد خانوار و میزان مشاهده‌ی رفتارهای وندالیستی در مدرسه یا تمایل به رفتارهای وندالیستی رابطه‌ی مستقیم و مثبت، و متغیّرهای وضعیّت مناسب تحصیلی، میزان تعلق و پیوستگی دانش آموزان به خانواده، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، میزان تعلق و پیوستگی دانش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آموزان به مدرسه با تمایل به رفتارهای وندالیستی رابطه منفی ومعکوسی دارند. در این تحقیق میزان رفتارهای وندالیستی برحسب پایه تحصیلی دانش آموزان تفاوت ندارد.

قائمی‌فر(۱۳۸٦)در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه‌ی شهری جهرم» به این نتیجه رسیده است که دختران بیش‌تر از پسران گرایش به انجام وندالیستی دارند، ولی ارتکاب عمل وندالیستی در پسران بیش‌تر از دختران است؛ چون پسران آزادی بیش‌تری دارند.

دقاغله و کلهر(۱۳۸۹) در پژوهش «آسیب‌های شهری در تهران؛ وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدّی‌گری» بخشی را به وندالیسم اختصاص داده و ضمن توصیف شرایط رو به افزایش وندالیسم شهری، ضعف شدید آمار و اطلاعات را از جمله خلأهای جدّی در بررسی این پدیده عنوان کرده و در سطوح کلان کاهش شکاف طبقاتی و رفع محرومیّت را مهم‌ترین راه‌کار مقابله با آن برشمرده‌اند.

هم‌چنین فتحی و محمدی(۱۳۹۰) در مقاله‌ی «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان» نتیجه گرفته‌اند که پسران بیش‌تر به رفتارهای وندالیستی دست می‌زنند و این پدیده در فرزندان خانواده‌هایی سطح پایین‌تر از نظر اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی از تسهیلات شهری، شایع‌تر است. هم‌چنین رفتارهای تخریب‌گرایانه و ویرانگر ناشی از بریدگی و عدم پیوند فرد با جامعه‌ی شهری و بیگانگی اجتماعی است.

در میان پژوهش‌های خارجی هرشفیلد[1](۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات میزان فقر در محلات شهری بر میزان بزه‌کاری نوجوانان» نتیجه گرفته که هر مقدار میزان فقر در سطح محلات شهری بالاتر باشد میزان ارتکاب نوجوانان در این محلات به جرائم خشونت‌آمیز بیش‌تر خواهد بود و با ایجاد فرصتی برای اسکان خانواده‌های

[1]- Hershfeild

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ساکن مناطق فقیرنشین در محلاتی که دارای میزان پایین‌تری از فقر هستند می‌توان بر کاهش میزان ارتکاب نوجوان به جرائم خشونت‌آمیز شد.

مک کوری[1](۲۰۰۵) در یک پژوهش کیفی با نام «کنترل شخصی، جنسیت، بزه‌کاری در خانواده های پدرسالاری» چنین اظهار می‌دارد که تفسیرهای نوجوانان از کنترل والدینشان و واکنش‌های آنان نسبت به کنترل‌ها با بزه‌کاری جوانان ارتباط دارد. محقق عقیده دارد که بدون در نظرگرفتن جنسیت نوجوانان در خانواده‌های غیرپدرسالار احتمالاً بیش‌تراز نوجوانان خانواده‌ی پدرسالار از استراتژی شورش علنی استفاده کرده‌اند.

کاپل و همکاران(۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان «جنسیت، قیود اجتماعی و بزه‌کاری» مقایسه‌ای میان دختران و پسران انجام دادند. آنان دریافتند که هم برای پسران و هم برای دختران، میان تعهد نسبت به آموزش ومدرسه و اعتقاد(باور) به نظام قانونی و بزه‌کاری شدید یا خشن به‌طور معنی داری رابطه‌ی منفی وجود دارد. وابستگی به گروه هم‌سالان فقط برای پسران با بزه‌کاری شدید به‌طور معنی‌داری رابطه‌ی منفی دارد. آنان هم‌چنین شواهدی دال بر تفاوت ساختار ارتباط میان قیود اجتماعی و بزه‌کاری شدید برای پسران و دختران یافتند.

جیلز[2](۲۰۰٤) در تحقیقی با عنوان «بزه‌کاری با تأکید بر خشونت، سرقت، و ندالیسم، در میان نوجوانان دبیرستان آلبرتا» با نمونه‌ی آماری۱۸۲ نوجوان ۱۵-۱۹ سال که ۸٤ نفر دختر و۹۸ نفر پسر هستند از طریق پرسش‌نامه پرداخته است متغیّرهای کلیدی پرسش‌نامه یگانگی(هم‌دلی)، کنترل انگیزشی، تعهدات اجتماعی و رابطه‌ی آن‌ها با خشونت، سرقت، وندالیسم است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میان یگانگی وکنترل انگیزشی با خشونت و وندالیسم رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، اما میان تعهدات اجتماعی و سه رفتار بزه‌کاری مورد تأکید رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشده است.

[1]- Mc.Corry
[2]- Gillis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در بررسی پیشینه‌ی مطالعاتی وندالیسم در گروه سنی جوان و نوجوان مشاهده می‌شود که این پژوهش‌ها نتایج مشابهی درخصوص تأثیر جنسیت، طبقه‌ی اجتماعی- اقتصادی، روابط خانوادگی و هم‌بستگی اجتماعی بر رفتار وندالیستی داشته‌اند؛ اما به ویژه در پژوهش‌های داخلی خلأ آمار و اطلاعات در زمینه‌ی موضوع تحقیق به روشنی مشهود است و نیز با توجّه به عمق و ابعاد موضوع، پژوهش‌های کیفی اندکی در این زمینه انجام شده است. در منطقه‌ی مورد مطالعه(شهر اهواز- منطقه‌ی کوت‌عبدالله) نیز تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده است؛ ازاین‌رو در این تحقیق تلاش شده تا با استفاده از مجموعه‌ای از متغیّرها، به تبیین همه‌جانبه و نسبتاً کاملی از عوامل مؤثر در رفتارهای تخریب‌گرانه دانش‌آموزان در یکی از مناطق حاشیه نشین اهواز پرداخته شود.

چارچوب نظری پژوهش

امیل دورکیم(نظریه ی آنومی)

یکی از مهم‌ترین تبیین های جامعه شناختی از انحرافات و کژرفتاری، نظریه‌ی آنومی[1] است که در زبان فارسی«بی‌هنجاری» ترجمه شده است، دورکیم برای نخستین‌بار این اصطلاح را وارد جامعه شناسی کرد و بعد از او جامعه شناسان مختلف آن را در معانی بالنسبه متفاوت به کار بردند(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳:۵۲).

بی‌هنجاری را می‌توان وضعیّتی دانست که درجامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی ریشه عمل می کند. این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیّات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است(کوئن، ۱۳۷۳: ۲۲۱).

هرگاه شیرازه‌ی تنظیم‌های اجتماعی از هم‌گسیخته شوند، نفوذ نظارت‌کننده‌ی جامعه بر گرایش‌های فردی، دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار می‌شود. دورکیم این وضعیّت را بی‌هنجاری یا آنومی می‌خواند(کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

[1]- Anomie

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به نظر دورکیم، ضعیف‌شدن روح جمعی، کج رفتاری را در پی دارد. با ضعیف‌شدن روح جمعی و آزاد شدن فرد از سلطه‌ی آن، زمینه‌های دیگری شکل می‌گیرد که امکان کج رفتاری را پدید می آورد. دورکیم معتقد است اقتدار اخلاق در یک جامعه تا جایی برای مردم قابل قبول است که این اخلاق با شرایط مادی زندگی مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، اقتدار اخلاقی در صورتی اعتبار خواهد داشت، که برای افرادی که درگیر فعّالیّت در جامعه‌ی همواره در حال تغییر و تحول هستند، با معنی باشد. حال اگر افراد مجبور به انجام نقش‌هایی شند که با استعدادهای‌شان مطابقت نداشته باشد، وضعیّت آنومیک پیش می‌آید. در شرایط آنومیک که بیماری جامعه‌ی مدرن است، به علت تضعیف هنجارها، زمینه‌ی مناسب کج رفتاری فراهم می‌شود. منبع اصلی کج رفتاری در انسجام ارگانیک دو بعد دارد: اول، شرایط آنومیک که در اثر تغییر و تحول سریع به وجود می‌آید و شرایطی است که اخلاق اجتماعی دچار اغتشاش شده باشد؛ یعنی ارزش‌های اخلاقی با شرایط مادی جدید زندگی مطابقت نداشته باشند و روح جمعی نتواند تمایلات بشر را منظم کند. بعد دیگر آن [بعد دوم]، گسترش اهمیّت فرد گرایی است که در عین حا ل که می‌تواند باعث پیشرفت اندیشه و خلّاقیت گردد، از جانب دیگر هم تأکید زیاد بر فرد گرایی، می‌تواند باعث شکل گیری هنجارهایی گردد که توسعه آرزوهای فردی و محدود نشده را تشویق می کنند(ممتاز، ۱۳۸۱: ٥٦ و ٥٧).

رابرت مرتن

پس از دورکیم رابرت مرتون جامعه شناس آمریکایی نظریه‌ی خود را بر پایه‌ی نظریه او تعمیم داد. به عقیده‌ی او این شرایط ساختی خاص است که علت ریشه‌ای انحرافات اجتماعی است. او به ارزش یابی انحراف یا جنایت علاقه‌مند نبود، بلکه درصدد بود تا ریشه‌های اجتماعی و ساختی گرایش افراد به راه‌های نامطلوب کنش توضیح دهد. در واقع، به نظر او در شرایط اجتماعی و ساختی خاص، انحراف نه تنها یک رفتار نابه‌هنجار نیست بلکه به‌هنجار است(معیدفر، ۱۳۸۵: ۳۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مرتون کج رفتاری را انطباق طبیعی با محیط اجتماعی خودگرای در نظر می‌گیرد و برعکس مسأله‌ی ارتباط آن را با ابعاد بیولوژیکی و فقدان کنترل اجتماعی در نظر نمی‌گیرد. او در اثر خود در این زمینه دو عنصر اصلی را مطرح کرده است. وی در ساخت فرهنگی، نخست اهداف تعریف‌شده‌ی فرهنگی را در نظر گرفته و بعد ابزار نهادی‌شده‌ی رسیدن به آن را مطرح کرده است(ممتاز، ۱۳۸۱: ٦٥).

منظور از وسایل، شیوه‌های پذیرفتنی است که ازسوی ساختار فرهنگی برای رسیدن به هدف‌ها، تعیین و تنظیم می‌شود(کوزر و روز نبرگ، ۱۳۸۷: ٤٣٢). در یک جامعه‌ی منظم اهداف و ابزار در یگانگی و تطابق به‌سر می‌برند، هم پذیرفته شده هستند و هم در اختیار افراد جامعه قرار دارند. عدم تطابق زمانی ظاهر می‌شود که تأکیدی ناموزون بر اهداف و یا ابزارهای دست‌یابی به اهداف قرار می‌گیرند(ممتاز، ۱۳۸۱: ٦٥) در نهایت، هنگامی که راه ها یا وسایل مشروع برای دستیابی به اهداف موفقیّت برای افراد جامعه محدود باشد، فشار ساختی در آن ها به‌وجود می آید(ترنر، ۱۳۷۸: ۳).

اهمیّت تئوری مرتن در آن است که او توجّه خود را به جنبه‌های اجتماعی کج روی معطوف کرده است، نه شالوده های بیولوژیکی و فردی آن. کج رفتاری‌ها در اندیشه‌ی مرتن در درون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی پدید می آید. یعنی جامعه از طریق شکاف و نارسایی میان اهداف مقبول خود و روش‌های مقبول رسیدن به آن اهداف فشار عظیمی را بر فرد می‌گذارد و او را به جای هم نوایی، وادار به کج روی می‌کند(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ٦٧-٦٦).

نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده‌ی ویلیام گود[1]

ویلیام گود با کمک گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه

[1]- Anomic and Family structure Good

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نابه‌سامانی و بی سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کجرو دخیل می‌داند(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳:٦۸).

ویلیام گود[1] معتقد است خانواده کانون و هسته‌ی اصلی تشکّل اجتماعی و به عنوان یک نظام کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه‌ی بزرگ‌تری را فراهم می‌آورد. به نظر وی خانواده، نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی، روحی، عاطفی و اجتماعی فرزندان و اعضای خود ایفا می‌کند. به این معنا که الگوی رشد شخصیتی کودکان ابتدا در چهارچوبی از روابط با والدین شکل می‌گیرد و تأثیر این امر را می‌توان در زندگی بزرگ‌سالی در میان نوجوانان مشاهده کرد، یعنی هنگامی که والدین طرد کننده باشند کودکان غمگین، مظنون، غیر قابل انعطاف، نامطمئن، مضطرب و درون‌گرا هستند و در صورتی که والدین نسبت به آن‌ها محبت داشته باشند فرزندانی برون گرا، خوشحال و مطمئن خواهند داشت. به علاوه نهاد خانواده به جریان شناخت خود، کشف خویشتن به هویّت یابی فرد کمک می‌کند. این نهاد هم‌چنین نقش عمده‌ای در یادگیری، تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد که می‌تواند منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به شمار آید. بنابراین هنجارها و ارزش‌های حاکم بر خانواده، بر تک تک افراد آن تأثیر قطعی دارد؛ ازاین‌رو شناخت سازمان، انگارهای خانواده می‌تواند به عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یافته در آن تلقی گردد، چرا که خانواده مهم‌ترین عامل پیدایش و تشکّل شخصیت فرد شمرده می‌شود به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانواده به‌وجود می‌آید شدّت گسیختگی را در ازهم‌پاشیدگی و تلاش خانواده‌هایی که اعضای آن از هم جدا شده‌اند می‌توان مشاهده کرد. عواملی که منجر به فروپاشی، گسیختگی، اغتشاش، بی‌سازمانی در

[1]- William Good

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ساختار فامیلی می‌شود و شرایط آنومیک را بر خانواده تحمیل می‌کند(گود، ۱۳۵۲: ۲٤۹-۲٤۸به نقل محسنی تبریزی).

این عوامل به اعتقاد گود عبارتند از:

۱- عدم مشروعیت؛ ۲ـ فسخ، جدایی، طلاق و ترک؛ ۳- خانواده‌ی توخالی؛ ٤- غیبت غیر ارادی یکی از دو همسر؛ ٥- عدم موفقیّت در اجرای نقش‌های اساسی ناشی از نقص عضو یا بیماری.

گود رفتار وندالیستی را چون بسیاری از صور کژ رفتاری‌ها و نابه‌هنجاری‌ها را به اختلال در کارکرد و وظایف نهاد خانواده و گسیختگی در مناسبات و روابط فامیلی و بروز شرایط آنومیک در خانواده ربط داد(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ٦۹).

کوهن[1]:پسران بزه‌کار[2](ناکامی منزلتی[3])

کوهن(۱۹٥٥) با بررسی پسران بزهکار، نظریه‌ی خرده‌فرهنگی را با تفکیک رفتار انحرافی جوانان از انحرافات اجتماعی بزرگ‌سالان و تأکید بر بزه‌کاری پسران طبقات پایین تدوین کرد(احمدی، ۱۳۸٤: ۷۲). کوهن در مطالعه‌ی جوانان در محیط طبیعی زندگی متوجّه شد که جرایم آنان از سه جهت با بزرگ‌سالان متفاوت است؛ هرچند این تفاوت‌ها، همه‌ی جرایم جوانان را شامل نمی‌شود. چنین تفاوت‌هایی عبارتند از غیر مادی بودن، توأم با کینه‌جویی و خشم و نفی هنجارهای اجتماعی. [به نظر کوهن] برای جوانان حتّی اگر شیء دزدی‌شده، جنبه‌ی سودمندانه داشته باشد، باز هم مزه ی شیء دزدی شده برای آن‌ها بیش‌تر است. برای آن‌ها دزدی جدا از مسأله‌ی سود و درآمد نشانه‌ی افتخار، مردانگی و به دنبال آن کسب رضایتی عمیق است. میزان خطر و تلاشی که صرف به‌دست آوردن شیء می‌کنند، سپس آن را رها می‌کنند، یا به دور می‌افکنند، با هیچ محاسبه‌ی سودمندانه و منطقی همراه نیست(سخاوت، ۱۳۸۳: ۷٥-۷٤).

---

[1]- Cohan
[2]- Delinqent boys
[3]- Status frustration

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بنابراین، کوهن در نظریه‌ی ناکامی منزلتی خود با عنوان پسران بزه‌کار به بررسی مجدّد نظریه‌ی مرتن می پردازد و تغییراتی در آن ایجاد می‌کند. در واقع کوهن اصطلاح منزلت را جانشین موفقیّت در نظریه‌ی مرتون می‌کند. یعنی طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه در عین حال که آن‌ها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. بنابراین، طبقه‌ی محروم شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت پیدا می‌کند؛ این امر از طریق اشتغال به امور خلاف تحقق می‌یابد(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۰). به نظر کوهن، دانش آموزانی که در خانواده‌های طبقه‌ی پایین، جامعه‌پذیر شده‌اند، به‌طور نسبی قادر به هم‌سازی با این معیارها نیستند و نمی‌توانند براساس این استانداردها با دانش آموزان طبقات اجتماعی دیگر رقابت کنند. یکی از راه حل‌هایی که آنان برای مشکل هم‌سازی خود انتخاب می‌کنند، رفتار بزه‌کارانه، با مشارکت دانش آموزان است که شرایط مشابهی دارند. آنان دار و دسته های بزه‌کار را شکل می‌دهند؛ زیرا اگر به تنهایی مرتکب رفتار انحرافی شوند، از دیگران جدا می‌افتند و موفق نخواهند شد. رفتار بزه‌کارانه در دار و دسته‌های بزه‌کار مجموعه‌ی جدیدی از هنجارها را برای اعضای این دار و دسته فراهم می‌کند، که با ارتکاب بزه‌کاری علیه مظاهر فرهنگ طبقه‌ی مازسوی، مانند تخریب اموال دولتی(شکستن کیوسک‌های تلفن و پاره‌کردن صندلی‌های اتوبوس‌های عمومی و غیره) می‌توانند برای خود منزلت اجتماعی کسب کنند. به اعتقاد کوهن، خرده فرهنگ بزه‌کار پاسخ دسته‌جمعی افرادی است، که در ساختار اجتماعی موقعیّت یکسانی دارند و برای کسب موقعیّت‌های اجتماعی بالا و مزایای مادی که به تبع این موقعیّت حاصل می‌شود، احساس ناتوانی می‌کنند و انتخاب خرده فرهنگ بزه‌کار به‌طور دسته جمعی راه حلی است برای کسب موقعیّت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آن ها پذیرفته شده و انجام آن‌ها برایشان امکان پذیر است(احمدی: ۱۳۸٤: ۷۳-۷٤). بدین سان، کوهن می‌نویسد: ترساندن افراد عادی، حمله به آن‌ها، رفتارهای خشونت‌آمیز در میان این خرده فرهنگ نوع دیگری از سرگرمی است. کسانی که در این زمینه موفق‌تر باشند

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یا شجاعت بیش‌تری نشان دهند، منزلت بیش‌تری به‌دست می‌آورند(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

کوهن شش خصلت برای خرده فرهنگ‌های کج رو در نظر می‌گیرد که به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

- گرایش غیر سودمندانه[1]؛ حتّی درباره‌ی دزدی، اشیا به راحتّی به دیگران داده و یا اصلاً نابود می‌شود و کم‌تر مورد استفاده یا فروش قرار می‌گیرد.
- میل به خشونت و ویران‌گری.
- منفی گرایی[2]؛ بیش‌تر ارزش‌های معمول و پذیرفته شده به شکل معکوس مورد قبول قرار می گیرند.
- لذت جویی و خوش پرستی؛ لحظه‌ای و برای مدت زمان کوتاه بدون آینده نگری واقع می‌شود).
- آزادی و تنوع در کج رفتاری[3]؛ شامل دزدی، وحشی‌گری، خشونت، ایجاد وحشت و انواع فعّالیّت‌های دیگر می‌شود).
- ستقلال و انسجام گروهی[4]؛ وفاداری به گروه از اهمیّت خاصی برخوردار است و در مقابل هر رفتار دیگری برتری دارد(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۲-۱۰۳).

نظریه‌ی کنترل اجتماعی

دیدگاه کنترل اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیّت به‌هنجار بودن یا نابه‌هنجار بودن هستند. نکته‌ی اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد، رفتار به‌هنجار یا ناهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر

[1]- non - utilitarianism
[2]- negativism
[3]- versatility
[4]- autonomy

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جامعه‌ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. موضوع مورد نظر این نظریه این است که چه عواملی باعث محدود شدن رفتار می‌شود(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

«کنترل اجتماعی» به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد. به مفهومی دیگر، کنترل اجتماعی به عواملی محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به‌کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کج روی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود(ستوده، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

تراویس هیرشی از مهم‌ترین پایه‌گذاران نظریه‌ی کنترل اجتماعی است. به عقیده‌ی هیرشی، بزه‌کاری به‌عنوان مسأله‌ی اجتماعی باید به همان‌گونه که در اجتماع رخ می‌دهد، یعنی در عرصه‌ی خانواده، مدرسه، همالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی شود. او معتقد است بزه‌کاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به‌طور کلی از میان برود. او فرد بزه‌کار را شخصی می‌داند که از قیود اجتماعی آزاد است. در واقع به نظر وی بزه وقتی اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قید و بندهای اجتماعی کم اعتنا یا اصلاً بی اعتنا باشد(مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۰).

هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود:

۱- وابستگی[1]: از مانندهیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است و آن‌چه اهمیّت می‌یابد رابطه‌ی اجتماعی فرد است(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

پایه‌ی نظم هنجاری و عمل به‌هنجارهای اجتماعی جامعه عاطفه است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از مشخصه‌های اصل هم‌بستگی اجتماعی هستند، همگی ریشه در وابستگی عاطفی دارند. وابستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی اجتماعی است(چلبی، ۱۳۷۵) باداشتن این احساس افراد وابسته و

[1]- attachment

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

محدود می‌شوند و کم‌تر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کنند(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

۲- تعهد[1]: اشاره دارد به میزان مخاطره‌ای که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماعی قایل است. بدین معنی که هرچه فرد بیش‌تر به قیود اجتماعی متعهد باشد، از قبول این مخاطرات بیش‌تر پرهیز می‌کند. بدین‌سان فردی که به فعّالیّت‌های زندگی روزمره متعهد باشد، به منظور حفظ موقعیّتی که با کوشش برای خود به‌دست آورده، کج رفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد. بیش‌تر افراد می‌خواهند شهرت خوب و آینده‌ی خوب داشته باشند و برای این منظور شیوه زندگی متعارف را دنبال می‌کنند؛ شیوه‌ی زندگی که در چارچوب آن فرد به‌هنجارهای اجتماعی متعهد می‌شود. از دیدگاه نظریه‌ی نظارت اجتماعی(کنترل اجتماعی) عمل‌کننده، هزینه‌ها و منافع ناشی از هر عمل خود را می سنجد و بر آن اساس انتخاب می‌کند. پس افراد متعهد که دارای موقعیّت مستحکمی در جامعه هستند، حتّی‌الامکان از هنجارشکنی دوری می‌جویند. به نظر هیرشی، در مقابل کسی کج‌رفتاری می‌کند، که چیزی ندارد که از دست بدهد(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۲).

درگیری[2]

درگیری میزان مشغولیت فرد در فعّالیّت‌های مختلف است که باعث می‌شود فرصتی برای انجام کار خلاف نداشته باشد(رسته مقدم، ۱۳۸۵: ۵۷). بیش‌تر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره به وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بی‌کار و بیهوده، وقت بیش‌تری برای هنجارشکنی دارند، در حالی که کسی که کار می‌کند و خانواده‌ای تشکیل داده و می‌کوشد در حرفه‌ی خود موفق باشد، وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم ندارد. به همین دلیل، بیش‌تر جرم شناسان معتقدند که افزایش سال‌های

[1]- commitment:
[2]- Involvement

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تحصیلی، انجام خدمت نظام وظیفه، و فراهم بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش کج رفتاری در میان نوجوانان می‌شود(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

اعتقاد[1]: اشاره دارد به میزان اعتباری که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است. در حالی که می‌تواند طبق میل خود از آن ها تخلف کند. بنابراین، هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به‌هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، احتمال هنجارشکنی بیش‌تر است. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین واقع می‌شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه‌ی اخلاقی برای هم‌نوایی و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرد(ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲). صاحب نظران نظریه‌ی کنترل اجتماعی، خانواده و سپس مدرسه را بیش از همه عامل نظارت به شمار می‌آورند و معتقدند که در فرایند اجتماعی کردن جوانان، خانواده و هم‌سالان اهمیّت خاصی دارند. به تدریج که جوانان مستقل می‌شوند، از تأثیرگروه هم‌سالان و خانواده کاسته می‌شود و ویژگی‌های درونی اهمیّت بیش‌تری پیدا می‌کند(سخاوت، ۱۳۸۱: ٦۱).

نتیجه‌ای که هیرشی از تحلیل خود می‌گیرد آن است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی های قوی و متقابل وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا هر گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهند بود که اعضای آن با هم وابستگی محکمی نداشته باشند. برای مثال او بر آن است که هر چه هم‌بستگی میان جوانان، والدین، بزرگ‌سالان و هم‌سالان بیش‌تر باشد، جوانان بیش‌تر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعّالیّت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و هر چه بیش‌تر اعتقادات و جهان‌بینی‌های مرسوم جامعه را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کم‌تر ممکن است کج رو و مجرم شوند(سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ٥۰٤).

[1]- Belif

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیّات تحقیق

براساس چارچوب نظری و در زمینه‌ی دستیابی به اهداف پژوهش فرضیّات زیر تدوین و درستی آن‌ها بررسی شد:

- میانگین گرایش به وندالیسم برحسب جنسیت متفاوت است.
- میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی، در دو بعد عینی و ذهنی و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.
- میان موفقیّت تحصیلی و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.
- میان متغیّرهای درون فردی، شامل احساس محرومیّت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشتن‌داری و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.
- میان پیونداجتماعی، خانواده، مدرسه، دوستان و گرایش به وندالیسم رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه‌ی نظری این پژوهش بر اساس بررسی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و در ادامه با توجّه به موضوع تحقیق و در نظر گرفتن متغیّرهای پژوهش، تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه‌ی خودساخته انجام گرفته است. تحقیق پیمایشی که یکی از روش‌های تحقیق اجتماعی رایج به شمار می‌رود، عبارت است از: اجرای پرسش‌نامه‌ها روی نمونه‌ای از پاسخ‌دهندگانی که از میان جمعیّتی انتخاب می‌شوند(ببی، ۱۳۸٦: ٥٧٤). جامعه‌ی آماری در این تحقیق، کلیه‌ی دانش آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه در سطح منطقه‌ی کوت‌عبدالله شهرستان اهواز است. برابر اعلام اداره‌ی آموزش و پرورش ناحیه‌ی۳ شهراهواز، تعداد دانش آموزان این منطقه برابر با ٤۳۱۹ نفر بوده که نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. نمونه‌ی مورد مطالعه ۳۸۵ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران به‌دست آمده است(حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱٤۰). برای اعتباریابی ابزار پرسش‌نامه از اعتبار صوری(روایی) و برای پایایی آن از آلفای کرونباخ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

استفاده شده است. آلفای به‌دست آمده برای متغیّرها در جدول شماره‌ی یک مشاهده می‌شود. داده‌های آماری استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t و رگرسیون چندمتغیّره تجزیه و تحلیل شدند.

جدول شماره‌ی یک: مقدارآلفای متغیّرهای فاصله ای تحقیق

نام متغیّر	مقدار آلفا
پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی	۰/۹۰
خویشتن داری	۰/۸۹
احساس تبعیض	۰/۸۵
احساس محرومیّت نسبی	۰/۸۳
عزت نفس	۰/۹۲
پیوند اجتماعی	۰/۹۳
تفاهم میان اعضای خانواده	۰/۸۷
وندالیسم	۰/۸۷

انتخاب و عملیاتی‌کردن متغیّرها

جنسیت: متغیّری جمعیّت‌شناختی است که به عنوان یکی از متغیّرهای مستقل به کار گرفته شد.

پایگاه اجتماعی- اقتصادی: تئوری کلووارد و اوهلین نیز در این میان می‌تواند این متغیّر را در برگیرند؛ از آن جایی که این دو محقق، بر فراوانی فرصت‌های نابرابر در جامعه اشاره می‌کنند، می‌توان گفت، که در هر جامعه ای پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد در مناسبات روزمره و یا سایر مناسبات تأثیرگذار است از آن جایی که افرادی که دارای موقعیّت بالاتری هستند، دارای امکانات بیش‌تری در مناسبات زندگی خود می‌شوند، این امر می‌تواند، گونه‌ای احساس نابرابری را همان‌گونه که کلووارد و اوهلین به آن اشاره کرده‌اند، به وجود آورد(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳ و احمدی:۱۳۸٤). شاخص‌هایی عینی که در عملیاتی کردن این متغیّر در نظر گرفته شده شامل محل زندگی، تحصیلات والدین، شغل والدین و میزان درآمد خانواده است. برای عملیاتی کردن متغیّر شاخص‌های ذهنی(سنجش پنداشت ذهنی فرد از پایگاه- اجتماعی خود) در این متغیّر[1] نیز از گویه‌هایی نظیر نگرش مردم به شغل و تحصیلات پدر، تعداد افراد خانوار،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وضعیّت و توان خرید منزل مسکونی، کفایت هزینه‌ی زندگی، نظر شخص درباره‌ی طبقه‌ی اجتماعی و میزان مرفه بودن منزل مسکونی خود استفاده شد.

موفقیّت تحصیلی: این متغیّر را می‌توان برگرفته از ناکامی منزلتی کوهن دانست. این تبیین در شرایطی واقعی تر به نظر می‌رسد، که افراد برای عضوشدن در خرده فرهنگ بزه‌کار و در نتیجه بالا بردن موقعیّت و مقام منزلت خود از درس خواندن جدی(فرار از مسخره شدن در میان دوستان بزه‌کار خود) خودداری می‌کنند(شکرریزی، ۱۳۷٦). ضمن این که، اگر سیستم نظام آموزش و پرورش در نمره دادن به دانش آموز را نظامی عادلانه ارزیابی نکنیم، به تئوری کلووارد و اوهلین نیز می‌توان اشاره کرد. جایی که فرد برای گریز از فرصت‌های نابرابری که جامعه برای افراد گوناگون برای رسیدن به موفقیّت خلق کرده است، دست به بزه‌کاری و یا اعمال وندالیستی می زند. شاخص این متغیّربرای عملیاتی کردن، معدل تحصیلی فرد در سال گذشته در نظر گرفته شده است.

متغیّرهای درون فردی: از میان متغیّرهای زمینه‌ای شخصیتی که می‌تواند بر رفتار وندالیستی مؤثر باشد چهار متغیّر شامل احساس محرومیّت نسبی، احساس عزت نفس و خویشتن داری، انتخاب شد.

احساس محرومیّت نسبی: این متغیّر نیز از تئوری آنومی مرتن قابل استخراج است؛ مرتن موضوع محرومیّت نسبی را مطرح می‌کند که به مقایسه‌ی آن چه موقعیّت اجتماعی فرد را به ارتباطات وی با دیگران که در برخی از جنبه‌ها مشابه او هستند مرتبط می‌کند بر می‌گردد. متغیّر فوق از نظریه منزلتی کوهن و همین طور فرصت‌های نابرابر کلووارد و اوهلین نیز قابل استخراج است. زیرا زمانی که فرصت‌ها در جامعه‌ی نابرابر باشد و راه‌های دست‌یابی به موفقیّت برای بسیاری از افراد مسدود باشد، ناچار به گزینه‌های غیر قانونی توسّل می‌جوید و به انحراف و بزه‌کاری روی می‌آورند.

عزت نفس: این متغیّر، متغیّری روانشناختی است و از نظریه‌ی کنترل قابل استخراج است. نظریه‌ی کنترل، رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نتیجه‌ی کارکرد ضعیف ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل شخصی می‌داند. بنابراین بزه‌کاری و جرم می‌تواند محصول عوامل فردی کنترل، مانند خود پنداره منفی، ناکامی، روان پریشی و اعتماد به نفس پایین باشد(احمدی، ۱۳۸٤: ۸٦).

خویشتن‌داری: این متغیّر از گات فردسون و هیرشی استخراج شده است. از نظرگات فردسون و هیرشی تمایل به ارتکاب جرم بستگی به سطح «خویشتن داری» دارد. مفهوم اصلی این دیدگاه «خویشتن داری پایین» است. آن‌ها متعقدند که جرم سبب ارضای خاطر سریع و آسان فرد کج رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به دنبال ارضای سریع است و اهداف کوتاه مدتی در زندگی دارد، از این دیدگاه علل اساسی خویشتن‌داری ضعیف در اعمال تربیت نامناسب و ناشایسته‌ی کودکان است. خویشتن داری ضعیف در مراحل اولیه ی کودکی بسط یافته و در سراسر دوران نوجوانی ثابت باقی می‌ماند(ترنر، ۲۰۰۲: ۱۱٤). والدینی که در کنترل و مراقبت از رفتار بچه‌ها ناتوانند یا مخالف کنترل رفتارهای بچه‌ها هستند، با تشخیص رفتار انحرافی در بچه او را مجازات می‌کنندو این مجازات موجب می‌شود بچه خویشتن داری اش را از دست بدهد(لانگ‌شور[1]، ۱۹۹۸: ۱۱٤).

احساس تبعیض: فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف و بزه‌کار و کج رو، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی، فرهنگ جامعه را می‌پذیرد، ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده‌ی اجتماعی دچار محرومیّت می‌شود، ازاین‌رو آرمان‌های موفقیّت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به‌دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه پاره‌فرهنگ بزه‌کار به‌وجود می‌آید. بدین‌وسیله افراد می‌کوشند تا بر مشکلات خود فائق آیند(کوهن، ۱۹٦٦: ۲٦ به نقل از محسنی تبریزی).

[1]- Longshore

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برای سنجش متغیّرهای درون فردی(احساس محرومیّت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشتن‌داری) نیز به تفکیک گویه‌هایی طرح و موافقت فرد در غالب طیف لیکرت درباره‌ی جملات مطرح شده پرسیده شد.

پیوند اجتماعی(خانواده، مدرسه، دوستان): این متغیّر نیز از نظریه‌ی کنترل اجتماعی گات فردسون و هیرشی استخراج شده است؛ زیرا از نظر هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. در این‌جا آن‌چه اهمیّت دارد رابطه‌ی اجتماعی فرد است. با داشتن احساس وابستگی، افراد وابسته و محدود می‌شوند و کم‌تر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. ویلیام گود با کمک‌گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابه‌سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کجرو دخیل می‌داند(محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ٦٨) ازاین‌رو در بررسی پیوند اجتماعی، تفاهم خانواده و رابطه‌ی آن با وندالیسم نیز بررسی شده است.

برای سنجش این متغیّر از پیوستاری که شامل گزینه‌ی طلاق، رجوع به دادگاه، بگومگو، قهر و پادرمیانی بزرگان فامیل و سازگاری استفاده شد و نیز موافقت فرد در قالب طیف لیکرت با گویه‌هایی شامل صمیمیت خانواده‌ی وی، خسته‌کننده‌بودن محیط خانه، مقررات خانه، رابطه‌ی صمیمی با اعضای خانواده، تمایل به بودن با خانواده یا دوستان و مشورت در خانواده پرسیده شد و درباره‌ی پیوند با دوستان نیز به همین منوال عمل شد.

متغیّر وابسته(رفتار وندالیستی)[۲]

هرگونه آسیب ارادی به اموال عمومی و خصوصی، اعم از این که آثار تمدن باشد یا نباشد به عنوان مثال، آسیب رساندن به درخت، را می‌توان اعمال وندالیستی دانست.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برای عملیاتی کردن متغیّر وابسته(وندالیسم)، سه شیوه(صور موازی) اتخاذ شـد. این سه شیوه به قرار زیر است:

۱- سنجش شدّت نگرش افراد نسبت به اعمال وندالیستی؛

۲- شیوه مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)؛

۳- سنجش شدّت کردار وندالیستی(خرابکارانه) افراد

در بخش نگرش سنجی، معرف‌هایی شامل میزان انتقاد فرد نسبت به تخریب اموال، فضاها و مکان‌های مختلف تدوین و در قالب طیـف لیکـرت درخصـوص آن از دانش آموزان سؤال شد به‌طور مثال:

- نسبت به تخریب اموال مدرسه و صدمه زدن به آن‌ها مانند بخاری، آبسرد کن، میز و ...

شدیداً انتقاد دارم☐ انتقاد دارم☐ نظری ندارم☐ انتقادی ندارم☐ اصلاً انتقادی ندارم☐

در قسمت عملیاتی کردن وندالیسم به شیوه‌ی فراکنـی، نیـز در ذیـل هریـک از معرف‌های فوق که در زمینه‌ی سنجش شدّت نگرش به کار گرفته شده بود، این سـؤال مطرح شد که «از ۱۰ نفر از افرادی که با شما آشنایی دارند چند نفرآن هـا بـا ارتکـاب چنین عملی مخالفتی ندارند»، سپس پیوستاری شامل نمرات صـفر تـا ده در ذیـل هـر سؤال قرار گرفته شد و پاسخ‌گو می بایست یکی از ایـن اعـداد را علامـت مـی‌زد؛ در شیوه‌ی اخیر به نوعی شدّت تمایل به رفتار وندالیستی سنجیده می‌شود.

در قسمت سنجش شدّت کردار وندالیستی، یا به عبارتی سنجش تقریبی کـردار، معرّف‌های فوق به پاسخ‌گو ارائه، وبا طرح سؤال «خود شما در یکی دو سال اخیـر بـه چه میزان به ارتکاب اعمال زیر وسوسـه شـده‌ایـد؟»، از وی خواسـته شـد، تـا میـزان وسوسه‌شدن خود را به ارتکاب اعمال مذکور بیـان کنـد. ایـن سـؤالات نیـز در قالـب انتخاب چهار گزینه‌ی هیچ‌گاه، یک بار، دوبار وبیش از دوبار به پاسخ‌گوعرضه شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۸۵ نفر پاسخ‌دهندگان، ۱۸٤ نفر پسر بوده‌اند که معادل ٤۷/۸ درصد از کل پاسخ‌دهندگان و ۲۰۱ نفر دختر که معادل ۵۲/۲ درصد از کل پاسخ‌دهندگان است.

دامنه‌ی سنی در گروه نمونه، میان ۱٤ تا ۱۹ سال است. بیش‌ترین فراوانی مربوط به سن۱٦ سال است که حدود۳٤ در صد از کل تعداد پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده و کم‌ترین تعداد در سن۱۹ سال مشاهده می‌شود که تنها چهار نفر از پاسخ‌دهندگان را شامل می‌شود. دانش آموزان پایه‌ی اول حدود ۵۰/٦ درصد و پایه‌ی سوم ۱۷/۷درصد از کل پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند. از۳۸۵ نفر پاسخ‌دهندگان۲۸۵ نفر ساکن شهر بوده‌اند که معادل۷٤ درصد از کل پاسخ‌دهندگان است و ۱۰۰نفر دختر که معادل۲٦ درصد کل پاسخ‌دهندگان است. از ۳۸٤ نفر پاسخ‌دهندگان، ۳۳٤ نفر با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند که معادل ۸۷ درصد کل پاسخ‌دهندگان است و ۵۰نفر با یکی از والدین خود زندگی می‌کنند، که معادل ۱۳درصد کل پاسخ‌دهندگان است. درخصوص بعد خانوار ٤۲/٦درصد پاسخ‌دهندگان در خانواده ای با ۳-٦ نفر جمعیّت، ٤٤/۹درصد دارای بعد خانوار ۷ تا۱۰ نفر و ۱۲/۵درصد در خانواده‌های ۱۱ تا۱۸ نفره هستند که نشان‌دهنده‌ی بالا بودن بعد خانواده در منطقه است. در نتایج توصیفی حاصله، میانگین شدّت گرایش به رفتار وندالیستی در میان دختران ۲۵/٤ و در میان پسران ۲۷/٤ به‌دست آمد.

آزمون فرضیّات

فرضیه‌ی اول: میانگین گرایش به وندالیسم برحسب جنسیت متفاوت است.

در فرضیه‌ی نخست پیش‌بینی شده که میان متغیّر جنسیت و متغیّرهای شدّت وندالیسم رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. نتایجی توصیفی و تحلیلی در جدول شماره‌ی دو آمده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی دو: نتایج آزمون t مربوط به متغیّر جنسیت و متغیّرهای مربوط به رفتار وندالیستی

متغیّر	جنسیت	فراوانی	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
شدّت گرایش به رفتار وندالیستی	زن	۲۰۱	۲۵/۴۴	۱/۴۴	۰/۱۵
	مرد	۱۸۴	۲۷/۴۱		
شدّت رفتار وندالیستی	زن	۲۰۱	۱۸/۱۳	۰/۰۵۴	۰/۹۵
	مرد	۱۸۴	۱۸/۱۹		
فرافکنی رفتار وندالیستی	زن	۲۰۱	۴۵/۴۵	۱/۱۰۸	۰/۲۷
	مرد	۱۸۴	۴۷/۴۴		

نتایج نشان می‌دهد درخصوص تفاوت میان میانگین‌های شدّت گرایش به رفتار وندالیستی در میان پسران ودختران، قدر مطلق مقدار س به‌دست آمده ۱/٤٤ است. با توجّه به سطح معناداری به‌دست آمده، تفاوتی از لحاظ آماری میان دختران و پسران و گرایش به وندالیسم وجود ندارد.

هم‌چنین، نتایج مذکور درخصوص شدّت رفتار وندالیستی در میان پسران و دختران نشان می‌دهد قدر مطلق مقدار س به‌دست آمده ۰/۰٥٤ است. با توجّه به سطح معناداری تفاوت میان میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی دار نیست که در این مورد نیز تفاوتی میان دختران و پسران از لحاظ وندالیسم وجود ندارد.

هم‌چنین، درباره‌ی نتایج مربوط به تفاوت میان میانگین‌های مقیاس فرافکنی رفتار وندالیستی در میان پسران و دختران قدر مطلق مقدار س به‌دست آمده ۰/۲۷ است. با توجّه به سطح معناداری تفاوت میان میانگین‌ها از لحاظ آماری معنی دار نیست. یعنی میان دختران و پسران از لحاظ وندالیسم در این مورد نیز تفاوتی وجود ندارد.

فرضیه‌ی دوم: میان متغیّر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و متغیّر وندالیسم رابطه وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرضیه‌ی دوم به رابطه‌ی احتمالی میان متغیّر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و متغیّر وندالیسم می‌پردازد. متغیّر پایگاه اقتصادی اجتماعی در دو بعد عینی و ذهنی پردازش شده و متغیّر وندالیسم نیز در سه مقیاس مبتنی بر گرایش، شدّت عمل و فراکنی لحاظ شده است(جدول شماره‌ی سه).

جدول شماره‌ی سه: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی(ابعادعینی و ذهنی) و وندالیسم

نام متغیّر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
پایگاه اجتماعی- اقتصادی(بعدعینی)	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۶۹۳	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۷۲۵	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	-۰/۵۹۴	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی- اقتصادی(بعد ذهنی)	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۶۸۸	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۶۶۶	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	-۰/۶۰۸	۰/۰۰۰

مقادیر ضرائب هم‌بستگی، برای رابطه‌ی میان متغیّر پایگاه اجتماعی- اقتصادی(بعدعینی) و متغیّر وندالیسم(گرایش به رفتار وندالیستی)، معادل ۰/٦۹۳- است، برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر شدّت رفتار وندالیستی ۰/۷۲۵- و برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی) معادل ۰/٥۹٤- به‌دست آمد. رابطه‌ی متغیّر پایگاه اجتماعی- اقتصادی(بعدعینی) با هر سه شیوه‌ی تعریف عملیاتی متغیّر وابسته در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارتی، هر چه فرد از پایگاه اجتماعی اقتصادی(بعدعینی) بالاتری برخوردار باشد، گرایش کم‌تری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می‌دهد و نیز مرتکب رفتار وندالیستی کم‌تری است.

هم‌چنین، در ادامه به رابطه‌ی احتمالی میان متغیّر پایگاه اجتماعی- اقتصادی(بعد ذهنی) و متغیّر وندالیسم پرداخته شد. مقادیر ضرائب هم‌بستگی، برای رابطه‌ی میان متغیّر پایگاه اجتماعی- اقتصادی(بعد ذهنی) و متغیّر وندالیسم(گرایش به رفتار وندالیستی)، معادل ۰/٦۸۸- است، برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر شدّت رفتار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

وندالیستی ۰/٦٦٦- و برای رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی) معادل ۰/٦۰۸- به‌دست آمد. در نتیجه رابطه‌ی متغیّر پایگاه اجتماعی-اقتصادی(بعدذهنی) با هر سه شیوه تعریف عملیاتی متغیّر وابسته در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارتی، هر چه فرد از پایگاه اجتماعی اقتصادی(بعدذهنی) بالاتری برخوردار باشد، گرایش کم‌تری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می‌دهد و نیز مرتکب رفتار وندالیستی کم‌تری است.

فرضیه‌ی سوم: میان متغیّر موفقیّت تحصیلی و وندالیسم رابطه وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی چهار مشاهده می‌شود، مقدار ضریب هم‌بستگی برای متغیّر موفقیّت تحصیلی و شدّت گرایش به رفتار وندالیستی، ۰/۳۱٤-، برای متغیّر موفقیّت تحصیلی و شدّت رفتار وندالیستی، **۰/۳۵۵**- و برای متغیّر موفقیّت تحصیلی و مقیاس مبتنی بر پرسش از دیگران یا فرافکنی، **۰/۲۵۳**- است و این ضرایب هم‌بستگی نشان‌دهنده‌ی رابطه ی معکوس و معنی دار میان دو متغیّر و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه فرد از موفقیّت تحصیلی بالاتری برخوردار باشد، گرایش کم‌تری نسبت به رفتار وندالیستی از خود نشان می‌دهد و نیز مرتکب رفتار وندالیستی کم‌تری است.

جدول شماره‌ی چهار: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر موفقیّت تحصیلی و وندالیسم

نام متغیّر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
موفقیّت تحصیلی	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۳۵۵	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	-۰/۲۵۳	۰/۰۰۰

فرضیه‌ی چهارم: میان متغیّرهای درون فردی و وندالیسم رابطه وجود دارد.

برای سنجش رابطه‌ی احتمالی در این فرضیه، از میان متغیّرهای هم‌بسته‌ی درون فردی چهار متغیّر احساس محرومیّت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشتن داری انتخاب و رابطه آن‌ها با وندالیسم بررسی شد(جدول شماره‌ی پنج).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی پنج: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّرهای درون فردی منتخب و وندالیسم

نام متغیّر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معناداری
احساس محرومیّت نسبی	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	۰/۳۷۲	۰/۰۰۰
احساس تبعیض	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۲۴۷	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	۰/۳۲۵	۰/۰۰۰
عزت نفس	مقیاس مبتنی برگرایش	-۰/۲۰۵	۰/۰۱
	مقیاس مبتنی برعمل	-۰/۳۹۹	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	-۰/۱۹۶	۰/۰۱۴
خویشتن داری	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۲۲۷	۰/۰۰۵
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	۰/۲۶۲	۰/۰۰۱

درخصوص بررسی رابطه‌ی متغیّر احساس محرومیّت نسبی و وندالیسم همان‌گونه که در جدول شماره‌ی پنج مشاهده می‌شود، بیش‌ترین مقدار ژ برای رابطه‌ی متغیّر احساس محرومیّت نسبی با متغیّر وندالیسم درباره‌ی شدّت رفتار وندالیستی است، که این ضریب معادل ۰/۳۸۱ است و کم‌ترین آن مربوط به مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی است، که ضریب آن معادل ۰/۳۷۲ به‌دست آمده است. رابطه‌ی متغیّر احساس محرومیّت نسبی نیز با هر سه شیوه‌ی تعریف عملیاتی متغیّر وندالیسم که همان گرایش، عمل و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی است، در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هرچه احساس محرومیّت نسبی افراد بیش‌تر باشد گرایش آن ها به وندالیسم و رفتار وندالیستی افزایش می‌یابد.

در بررسی رابطه میان احساس تبعیض و وندالیسم نتایج بررسی نشان می‌دهد میان متغیّر احساس تبعیض با هرسه شیوه‌ی تعریف عملیاتی متغیّر وابسته، رابطه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. ضریب هم‌بستگی برای احساس تبعیض و شدّت گرایش به عمل وندالیستی ۰/۳۰۶ است. درباره‌ی رابطه‌ی آن با شدّت رفتار وندالیستی، این ضریب، معادل ۰/۲۴۷ به‌دست آمد و مقدار ژ یا ضریب هم‌بستگی مربوط به رابطه‌ی آن با مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی معادل ۰/۳۲۵ است. رابطه‌ی این متغیّر با وندالیسم در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

درباره‌ی متغیّر عزت نفس، مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیّر عزت نفس و متغیّر شدّت گرایش به رفتار وندالیستی معادل ۰/۲۰۵- است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیّر با متغیّر شدّت رفتار وندالیستی، ۰/۳۹۹- است، و برای رابطه‌ی متغیّر عزت نفس و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، ۰/۱۹۶- که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیّر معکوس و معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه عزت نفس دانش آموزان افزایش یابد گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

در نهایت درخصوص متغیّر خویشتن داری، مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیّر خویشتن داری و متغیّر شدّت گرایش به رفتار وندالیستی معادل ۰/۲۲۷- است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیّر با متغیّر شدّت رفتار وندالیستی، ۰/۳۹۹- است، و برای رابطه‌ی متغیّر خویشتن داری و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، ۰/۲۶۲- که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیّر معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه خویشتن داری دانش آموزان افزایش یابد گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد. در نتیجه رابطه‌ی هر چهار متغیّر زمینه‌ای شخصیتی انتخاب شده، رابطه معناداری با گرایش به وندالیسم در دانش آموزان نشان می‌دهند.

فرضیه‌ی پنجم- میان متغیّر پیوند اجتماعی و متغیّر وندالیسم رابطه وجود دارد.

رابطه‌ی ذکر شده در فرضیه‌ی پنجم از طریق بررسی پیوند اجتماعی خانواده، مدرسه و دوستان(که هم‌بسته‌های برون فردی هستند) سنجیده شد که در بخش خانواده متغیّر تفاهم اعضای خانواده به‌طور جداگانه با وندالیسم بررسی شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در جدول شماره‌ی شش مشاهده می‌شود که مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیّر پیوند اجتماعی و متغیّر شدّت گرایش به رفتار وندالیستی معادل ۰/۲۹٤- است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیّر با متغیّر شدّت رفتار وندالیستی، ۰/۳٦٦- است، و برای رابطه‌ی متغیّر پیوند اجتماعی و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، ۰/۲۵۵- که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیّر معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه پیوندهای اجتماعی افزایش یابد گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

جدول شماره‌ی شش: شاخص هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر پیوند اجتماعی و وندالیسم

نام متغیّر	وندالیسم	هم‌بستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
پیوند اجتماعی	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۲۹۴	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۳۶۶	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	-۰/۲۵۵	۰/۰۰۱
تفاهم میان اعضای خانواده	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۳۴۲	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۴۱۶	۰/۰۰۰
	مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران(فرافکنی)	-۰/۱۹۱	۰/۰۰۸

درخصوص رابطه‌ی میان متغیّر تفاهم میان اعضای خانواده و متغیّر وندالیسم مقدار ضریب هم‌بستگی برای رابطه‌ی متغیّر تفاهم میان اعضای خانواده و متغیّر شدّت گرایش به رفتار وندالیستی معادل ۰/۳٤۲- است و این ضریب برای رابطه‌ی این متغیّر با متغیّر شدّت رفتار وندالیستی، ۰/٤۱٦- است، و برای رابطه‌ی متغیّر تفاهم میان اعضای خانواده و مقیاس مبتنی بر پرسش از کار دیگران یا فرافکنی رفتار وندالیستی، ۰/۱۹۱- که در هر سه مورد رابطه‌ی دو متغیّر معکوس و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. بدین معنی که هر چه تفاهم میان اعضای خانواده ی دانش آموزان افزایش یابد گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تحلیل رگرسیونی پیش‌بینی میزان گرایش به رفتار وندالیستی

برای ساختن معادله‌ی رگرسیونی پیش‌بینی میزان شدّت گرایش به رفتار وندالیستی، متغیّرهایی که در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، و دارای رابطه با متغیّر وابسته بوده‌اند را به عنوان متغیّر مستقل و میزان شدّت گرایش به رفتار وندالیستی به عنوان متغیّر وابسته وارد شدند. بررسی نتایج به‌دست آمده در جدول شماره‌ی هفت بیان‌کننده‌ی آن است، که معادله پیش‌بینی میزان شدّت گرایش به رفتار وندالیستی می‌تواند، ۰/۵۰۳ درصد از واریانس متغیّر وابسته را پیش‌بینی کند، که این مطلب را t^2 به ما نشان می‌دهد.

مقدار ت یا هم‌بستگی میان مقادیری که باسیله معادله پیش‌بینی می‌شوند و مقادیر واقعی وجود دارد؛ یا به عبارت دیگر ۰/۷۱۱ درصد مقادیری که پیش‌بینی می‌شود، با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجّه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده مقادیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشند. از آن‌جایی که مدل پژوهش، توان استه با استفاده از متغیّرهای خود پایگاه اجتماعی- اقتصادی، تفاهم میان اعضای خانواده، احساس محرومیّت نسبی، احساس تبعیض، موفقیّت تحصیلی، عزت نفس، پیوند اجتماعی، خویشتن داری، ۵۰ درصد از واریانس متغیّر وابسته را پیش میانی کند، می‌توان گفت از قدرت پیش میانی خوبی برخوردار است.

جدول شماره‌ی هفت: تجزیه واریانس رگرسیون چندمتغیّره شدّت گرایش به رفتار وندالیستی

منبع تغییرات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت f	سطح معنی‌داری f
اثر رگرسیون	۹	۲۲۴۰۵/۸۷	۲۸۰۰/۷۳۴	۱۵/۸۵۴	۰/۰۰۰
باقی مانده	۳۵۰	۱۷۰۲۰/۶۴	۱۷۷/۲۹۸		
کل	۳۵۹	۳۹۴۲۶/۵۱			

R= ۰/۷۱۱ R2= ۰ /۵۰۳

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بحث و نتیجه گیری

از دیدگاه محققان مختلف، عوامل و شرایط گوناگونی مانند عوامل زیستی و ژنتیکی، ساختارهای اجتماعی و برون فردی و عوامل درون فردی و بی‌نظمی‌های روانی در بروز رفتار وندالیستی دانش آموزان مؤثر است که در این تحقیق رابطه‌ی جنسیت، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، موفقیّت تحصیلی، منتخب عوامل درون‌فردی(شامل احساس محرومیّت نسبی، تبعیض، عزت نفس، خویشتن‌داری)، و پیوند اجتماعی(خانه، مدرسه، دوستان) با بروز رفتارهای وندالیستی در دانش آموزان مقطع دبیرستان منطقه‌ی کوت‌عبدالله اهواز بررسی شد و تلاش شد تا تبیین همه‌جانبه و نسبتاً کاملی از این پدیده در منطقه‌ی مورد مطالعه ارائه شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد در منطقه‌ی مورد مطالعه‌ی میان پسران و دختران به لحاظ گرایش نسبت به رفتار وندالیستی و هم چنین شدّت اعمال وندالیستی تفاوت معنی داری وجود ندارد؛ یعنی جنسیت بر رفتار وندالیستی مؤثر نبوده است و این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های پیشین(محمدی بلبان آباد، ۱۳۸٤ و قائمی فر، ۱۳۸٦) مطابقت ندارد.

درخصوص تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی، فرضیه‌ی عام یا مورد قبول بیش‌تر اندیشمندان در جهان نظیر نظریه ناکامی منزلتی کوهن است که طبقات اجتماعی- اقتصادی پایین، میزان بیش‌تری از رفتارهای غیر قانونی را نسبت به طبقات مازسوی و بالا مرتکب می‌شوند. این تحقیق نیز نشان داد که پایگاه، اجتماعی- اقتصادی دانش‌آموزان رابطه‌ی معکوس و معنادار با وندالیسم دارد؛ به عبارت دیگر هر چه فرد از پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین‌تری برخوردار باشد گرایش به رفتار وندالیستی در او بیش‌تر است؛ بدین‌ترتیب نتایج پژوهش‌های پیشین تأیید می‌شود. درباره‌ی پایگاه اجتماعی- اقتصادی، کوهن معتقد است که افراد منحرف و بزه‌کار و کجرو،(طبقات پایین جامعه) آرمان ها و اهداف مقبول اجتماعی، فرهنگی جامعه را پذیرفته‌اند، اما به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دست یابی به اهداف مقبول و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پسندیده‌ی اجتماعی دچار محرومیّت شده‌اند، ازاین‌رو آرمان‌های موفقیّت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به‌دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌کند(کوهن، ۱۹۹٦: ۲٦ به نقل از محسنی تبریزی).

درخصوص تأثیر موفقیّت تحصیلی بر رفتار وندالیستی دانش آموزان، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی پیرسون میان متغیّر موفقیّت تحصیلی در مدرسه و متغیّر وندالیسم معادل۰/۳۱٤- است که این ضریب در سطح ۰/۰۱معنادار است. رابطه‌ی میان این متغیّرها نیز معکوس است؛ بدین معنا که به میزانی که فرد پیشرفت تحصیلی کم‌تری داشته باشد گرایش وی نسبت به رفتار وندالیستی بیش‌تر است و بالعکس که این نتایج نیز با نظریه ناکامی منزلتی کوهن هم‌خوانی دارد.

درباره‌ی متغیّرهای درون فردی چهار متغیّر احساس محرومیّت نسبی، احساس تبعیض، عزت نفس و خویشتن داری انتخاب و رابطه‌ی آن‌ها با وندالیسم بررسی شد. نتایج نشان داد محرومیّت نسبی با هر سه شیوه‌ی عملیاتی شده ی متغیّر وابسته یعنی وندالیسم رابطه دارد. هم‌چنین ضریب هم‌بستگی پیرسون میان متغیّراحساس تبعیض و متغیّر وندالیسم معادل ۰/۳۰٦ است که این ضریب در سطح ۰/۰۱ معنا دار است. بر این اساس، به میزانی که فرد احساس تبعیض بیش‌تری می‌شود. گرایش به رفتار وندالیستی هم چنین، شدّت رفتار وندالیستی نیز در آن بیش‌تر است. وقتی فرد احساس محرومیّت می‌کند، احتمالاً به خشونت روی می‌آورد؛ چون احساس می‌کند، جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است(نظریه‌ی منزلتی کوهن و فرصت‌های نابرابر کلووارد و اوهلین). همان‌گونه که گفته شد، یافته‌های این تحقیق نشان داد، به میزانی که فرد احساس محرومیّت بیش‌تری می‌کند گرایش به رفتار وندالیستی هم چنین، شدّت رفتار وندالیستی نیز در آن بیش‌تر است.

بر اساس نظریه‌ی کنترل، جرم و بزه می‌تواند محصول عوامل فردی مانند اعتماد به نفس پایین باشد. درخصوص عزت نفس، ضریب هم‌بستگی این متغیّر و شدّت وندالیسم(۰/۳۹۹-) که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است منفی بودن این ضریب نشان از

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

رابطه‌ی معکوس این متغیّر دارد. یعنی هر چه اعتماد به نفس در نوجوان پـایین باشـد؛ به‌عبارتی دیگر قدرت کنترل شخصی که ناشی از کنتـرل اجتمـاعی اسـت در او پـایین باشد، گرایش به انجام رفتار وندالیستی در او بیش‌تر است. ضریب هم‌بستگی خویشتن داری و شدّت وندالیسم(۰/۳۹۹-) نیز در سـطح ۰/۰۱ معنـی دار اسـت. بـا افـزایش در خویشتن داری دانش آموزان از گرایش به رفتار وندالیستی کاسته می‌شود و یا با کاهش در خویشتن داری، گرایش به رفتار وندالیستی افزایش می‌یابد. فردی که اعتماد به نفس پایینی دارد، معمولاً در زمینه‌ی هویت خود احساس خطر می‌کند، قدرت پذیرش خـود را ندارد و به انکار خود می پردازد و از زندگی در خانواده، مدرسه و اجتماع احسـاس عدم موفقیّت و شکست می‌کند و برای جبران مشکلات خود مرتکب رفتار بزه‌کارانه و مجرمانه می‌شود(احمدی، ۱۳۸٤: ۸۸).

پیوند اجتماعی(خانواده، مدرسه، دوستان) متغیّر دیگری بود کـه رابطـه‌ی آن بـا وندالیسم بررسی شد. ضریب هم‌بستگی این متغیّر و شدّت وندالیسم(۰/۳٦٦-) کـه در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. با افزایش دلبستگی دانـش آمـوزان بـه خـانواده، مدرسـه و دوستان از میزان رفتار وندالیستی آن‌ها کاسته می‌شود. متغیّر تفاهم خـانواده نیـز میـزان تفاهم، علاقه و صمیمیت نوجوان با خانواده را نشان می‌دهـد در ایـن تحقیـق ضـریب هم‌بستگی میان تفاهم میان خانواده و شدّت وندالیسم۰/۳٤۲- است که در سـطح ۰/۰۱ معنی داراست منفی بودن مقدار ضریب هم‌بستگی نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی معکوس میـان این دو متغیّر است. یعنی هرچه میزان تفاهم نسبت به والدین کم‌تر باشـد، گـرایش بـه وندالیسم بیش‌تر است. به عبارتی اگر نوجوان نسبت به والدین احساس نزدیکـی کنـد مشکلات خود را راحت تر با اعضای خانواده در میان می گذارد، نوعی اعتماد متقابل و حس مسؤولیت پذیری در نوجوان به وجود مـی‌آیـد. ایـن نتیجـه بـا نتـایج تحقیقـات شـکرریزی(۱۳۷٦)، عفتـی(۱۳۸۱)، احمـدی و سـهامی(۱۳۸۳) و مـک کـوری(۲۰۰۵) هم‌خوانی دارد. نظریه‌ی کنترل اجتماعی هیرشی، نظریه درگیری و نیز آنومی وسـاختار خانواده نیز موید این نتایج هستند. هیرشی معتقد است بزه‌کاری در حالت تضعیف قیود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرد یا بی‌اعتنایی کامل نسبت به جامعه رخ می‌دهد. ویلیام گود نیز در نظریه ساختار خانواده هرگونه نابه‌سامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزه‌کار و کجرو دخیل می‌داند و هیرشی نیز معتقد است که هر چه هم‌بستگی میان جوانان، والدین، بزرگ‌سالان و همسالان بیش‌تر باشد، جوانان بیش‌تر علاقه‌مند و درگیر مدرسه و دیگر فعّالیّت‌های مقبول اجتماعی می‌شوند و در نتیجه کم‌تر ممکن است کج رو و مجرم شوند.

در پایان با توجّه به نتایج تحقیق به منظور کاهش رفتارهای وندالیستی در میان دانش آموزان مقطع متوسطه اقداماتی مانند جریمه و باز خواست فوری خود وندال، بازسازی، تقویت روحیه مسؤولیت‌پذیری و خودکنترلی دانش آموزان، توجّه بیش‌تر به خواسته‌ها و نیازمندی‌های معقول نوجوانان و جوانان از طرف خانواده و مسؤولین مدرسه، توجّه هرچه بیش‌تر مسؤولین مدرسه به انتقادات، شکایات و نظرهای دانش آموزان، ایجاد جو عاطفی مناسب برای فرزندان ازسوی والدین و توجّه به امر آموزش و تبلیغ پیرامون موضوع وندالیسم پیشنهاد می‌شود. هم‌چنین درباره‌ی کاهش زمینه‌های اجتماعی نابرابری و بروز وندالیسم لازم است اهتمام و برنامه‌ریزی مدیریت شهری در جهت ایجاد و گسترش امکانات فرهنگی آموزشی تفریحی در محلات فقیرنشین، سعی در رفع نیازها و توزیع عادلانه امکانات، محرومیّت زدایی مناطق فقیرنشین و توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنین این مناطق تمرکز یابد.

یادداشت‌ها

۱- عملیاتی کردن متغیّر پایگاه اجتماعی- اقتصادی به شیوه‌ی ذهنی به اهتمام دکتر نبوی صورت پذیرفته است. مشروح این مقیاس در منبع(فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی دانش علوم انتظامی، سال دهم، شماره دوم، تابستان(۱۳۸۷) به‌چاپ رسیده است.

۲- سه شیوه‌ی عملیاتی نمودن متغیّر وابسته(وندالیسم) به اهتمام دکتر نبوی، صورت گرفته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. احمدی، حبیب(۱۳۸٤) **نظریه‌های انحرافات اجتماعی**، شیراز: انتشارات زر.

۲. ببی، ارل(۱۳۸٦) **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، جلد اول، ترجمه‌ی رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

۳. بیرو، آلن(۱۳٦۷) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی دکتر باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

٤. ترنر، جاناتان اچ(۱۳۷۸) **مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محمد عزیز بختیاری و محمد فولادی، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی وپژوهشی امام خمینی(ره).

۵. حافظ نیا، محمدرضا(۱۳۸۷) **مقدّمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، تهران: سمت.

٦. چلبی، مسعود(۱۳۷۵) **جامعه‌شناسی نظم**، تهران: نی.

۷. دانشگاه شهید چمران اهواز(۱۳۸۵) **طرح مطالعات اسکان غیررسمی و توانمندسازی محلات شهر اهواز**، کارفرما: سازمان مسکن و شهرسازی خوزستان.

۸. دغاقله، عقیل و سمیرا کلهر(۱۳۸۹) **آسیب‌های شهری در تهران: وندالیسم، دختران فراری، زنان سرپرست خانوار و تکدّی‌گری**، تهران: جامعه شناسان.

۹. رسته مقدم، آرش(۱۳۸۵) «عامل بزه‌کاری نوجوانی از رویکرد سیستمی»، **فصل نامه علمی- آموزشی اداره کل مشاوره و مددکاری ناجا**، شماره‌ی ۱۹-۱۸.

۱۰. رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۷) **آناتومی جامعه**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۱. ستوده، هدایت الله(۱۳۷۹) **آسیب شناسی اجتماعی(جامعه‌شناسی انحرافات)**، تهران: آوای نور.

۱۲. سخاوت، جعفر(۱۳۸۳) **جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی**، تهران: پیام نور.

۱۳. سلیمی، علی و محمد داوری(۱۳۸۷) **جامعه‌شناسی کجروی**، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

۱٤. سهامی، سوسن و احمدی، حبیب(۱۳۸۳) «بزه‌کاری و خرابکاری»، **فصلنامه‌ی تازه‌های روان درمانی**، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷ و ۱۸.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۵. شکرریزی، زهرا(۱۳۷٦) **بررسی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای وندالیستی در دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران در سال تحصیلی ۷٦-۷۵**، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱٦. شیخی، محمدتقی(۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی و مددکاری اجتماعی**، تهران: نشرحریر.

۱۷. عفتی، محمد(۱۳۸۱) **بررسی علل و انگیزه های سنگ پرانی به قطارهای مسافری در تهران**، طرح پژوهشی، کارفرما: راه آهن جمهوری اسلامی، شرکت قطارهای مسافری رجاء.

۱۸. فتحی، سروش و حامد محمدی(۱۳۹۰) «شهرنشینی، بیگانگی اجتماعی و رفتارهای وندالیستی جوانان»، **فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۳.

۱۹. قائمی فر، حسین(۱۳۸٦) **بررسی برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه‌ی شهری جهرم**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۲۰. کوئن، بروس(۱۳۷۳) **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: توتیا.

۲۱. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ(۱۳۷۸) **نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نی.

۲۲. گیدنز، آنتونی(۱۳۷٤) **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.

۲۳. محسنی تبریزی، علیرضا(۱۳۸۳) **وندالیسم**، تهران: انتشارات آن.

۲٤. محمدی بلبان آباد، اسعد(۱۳۸٤) **سنجش میزان وندالیسم و عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در میان دانش آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

۲۵. مشکانی، محمدرضا و زهرا مشکانی(۱۳۸۱) «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزه‌کاری»، **مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی تهران جلد(۳)**، تهران: آگه.

۲٦. معیدفر، سعید(۱۳۷۵) **جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران**، تهران: نور علم.

۲۷. ملک، حسن(۱۳۷۷) **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی**، تهران: دانشگاه پیام نور.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲۸. ممتاز، فریده(۱۳۸۱) **انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۹. نوربها، رضا(۱۳۸٤) **زمینه‌ی حقوق جزای عمومی**، تهران: دادآفرین.

۳۰. هرشفیلد، پال(۱۳۸٤) **تأثیر فقر شهری بر بزهکاری جوانان و نوجوانان**، ترجمه‌ی وحید رضایی، پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی.

31. Gillis, Tammy(2004) **Violence, vandalism, and theet among Alberta youth: A reconceptualization of the general the theory of crime**, dissertation PHD. The University of Lethbridge, Alberta, Canada.
32. Haskell, M. R. & Yablonsky, L(1974) **Juvenile Delikqency**, Rand McNally College publishes company, UK.
33. Longshore, Douglas(1998) "Self control and criminal opportunity: A prospective test of the General theory of Crime", **Social Problems**, Vol 45, No 1.
34. Mc. Corry, Timothy(2005) **Parental Control, gender and delinquency in Patriarchal and non-Patriarehal household, a qualitative assessments**, Ph. D dissertation, State university of Newyorkat Buffalo.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]